نگاه

راهکارهای مانایی فروغ «برق»

موسی رفان . مدیرعامل سابق مپنا

● صنعت برق یک پارامتر مستقل نیست بلکه یک پارامتر در مجموعه اقتصاد کشور است. همان‌طور که می‌دانید در چندسال گذشته رشد اقتصادی ما منفی شده و این امر بر تحرکات صنعت برق هم تاثیرات منفی خود را گذاشته است. از ۳۰سال گذشته تا حدود چهار، پنج‌سال پیش، هرسال حداقل شاهد رشد ۱۰درصدی مصرف برق بوده‌ایم. ولی از حدود چهار، پنج‌سال پیش، شیب این رشد کاهش داشته و تقریبا ثابت مانده است که این موضوع ناشی از فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی در کشور است چراکه وقتی رشد اقتصادی پایین بیاید طبیعتا نیاز به برق کمتری هم خواهد بود. البته بحث هدفمندکردن یارانه‌ها و منطقی‌کردن قیمت حامل‌های انرژی هم در میزان رشد و مصرف بی‌تاثیر نبوده است. به هر حال مردم هم تلاش کردند که مصرف کمتری داشته باشند.

باید گفت به نوعی تقاضا در این سه، چهار سال اخیر ثابت مانده است. از طرف دیگر دولت متاسفانه برخلاف قراردادهایی که با بخش‌های خصوصی و عمومی برای خرید خدمات برق داشته است، عملا به تعهداتش عمل نکرده است؛ یعنی به نوعی صورت وضعیت پیمانکاران و تولیدکنندگان برق را پرداخت نکرده است. البته درست است که این عدم پرداخت از جانب توانیر و وزارت نیرو اتفاق افتاده ولی منشأ آن داخل برق نبود بلکه نتیجه تصمیمات و اقدامات دولت بود که نتیجه‌اش این شد. یعنی اینکه پول برق که قرار بود در اختیار توانیر قرار بگیرد تا با آن بتواند تعهدات خود را انجام دهد، از آنها گرفته شده. بر همین اساس شاید بتوان گفت که اختیار از آنها گرفته شده است. قبلا اینگونه بود که پول برقی که فروخته می‌شد به حساب توانیر می‌آمد و اگر چیزی هم قرار بود به‌عنوان مالیات یا سهم به دولت پرداخت شود، توانیر پرداخت می‌کرد ولی اکنون روند برعکس شده، به این شکل که درآمد را به حساب دولت منتقل می‌کنند و توانیر باید از دولت پول بگیرد. طبیعتا در این اقدام به نوعی یک حداقلی در اختیار توانیر قرار می‌گیرد و عملا طی این مدت این شرکت مجبور شد این منابع اندکی که در اختیارش قرار می‌گرفت را صرف امور جاری خود کند و مطالبات پیمانکاران، سازندگان و تولیدکنندگان پرداخت نشد. در یک کلام شاید بتوان گفت متاسفانه اقتصاد صنعت برق را متلاشی کردند و دخل‌وخرج صنعت برق با هم نمی‌خواند و برق در این وضعیت نمی‌تواند تعهداتش را نسبت به پیمانکاران و تولیدکنندگان انجام دهد. بنابراین این صنعت با این وضعیت نمی‌تواند برنامه‌ریزی کند و اگر هم برنامه‌ریزی کند نمی‌تواند آن را به مرحله اجرا دربیاورد و در نتیجه با مشکل روبه‌رو می‌شود. هرچند اکنون دولت تلاش می‌کند تا چرخ‌های اقتصاد را به حرکت دربیاورد. بنابراین واضح است که به چرخش درآمدن چرخ تولید، کار و تلاش طبیعتا تقاضا برای صنعت برق را افزایش می‌دهد. بالارفتن نیاز مصرف طبیعتا ضرورت پاسخگویی این نیازمندی در مجموعه دولت و توانیر و وزارت نیرو را ایجاب می‌کند. اگرچه متاسفانه اکنون این آمادگی وجود ندارد؛ به این معنا که رشد اقتصادی حاصل شود، چرخ‌های صنعت بچرخد، کشاورزی توسعه پیدا کند و به‌دنبال آنها، مصرف برق بالا برود؛ مجموعه قدرت نصب‌شده ما به دلیل اینکه در پنج یا شش‌سال گذشته هیچ‌گونه برنامه‌ریزی‌ای برای افزایش تولید نشده پاسخگو نخواهد بود.

باید توجه داشت که برنامه‌ریزی برای صنعت برق و به‌ویژه بخش تولید آن، اصولا پنج یا شش‌سال بعد از آن پاسخ خواهد داد. در دو دولت گذشته افزایش تولید برق مربوط به برنامه‌ریزی‌هایی است که در گذشته انجام شده بود و پروژه‌هایی که در طول سال ۷۸ تا ۸۴ برنامه‌ریزی شده و به مرحله اجرا درآمده بود هشت‌سال گذشته نتیجه دادند و طبیعتا مشکلی در این سال‌ها نداشتیم. آمار افزایش قدرت نصب‌شده برق نشان می‌دهد که تا دو، سه‌سال گذشته سالانه سه تا چهارهزارمگاوات، افزایش قدرت نصب شده برق داشته‌ایم که نتیجه اقدامات و برنامه‌ریزی‌هایی بوده که در گذشته انجام شده است. در سال‌های آغازین دولت نهم هم با حضور آقای فتاح برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات مانند گذشته ادامه داشت و برنامه‌ریزی‌هایی انجام شده و در راستای اقدامات بدنه برق برنامه‌ریزی خوبی صورت گرفت، ولی عملا در پنج، شش‌سال گذشته هیچ برنامه‌ریزی جدیدی صورت نگرفته و هیچ اقدام عملی برای افزایش قدرت نصب‌شده و خطوط انتقال صورت نگرفت. در نتیجه این شرایط، خطرناک و نگران‌کننده است. البته اگر رشد اقتصادی و روند مصرف همانند گذشته بود باز هم نگرانی وجود نداشت اما در حال حاضر با روی کارآمدن دولت یازدهم و تلاش این دولت برای به حرکت درآوردن چرخ‌های اقتصاد، یک نگرانی در صنعت برق به‌وجود می‌آمده که آیا می‌توان پاسخگوی این نیازها بود یا خیر و همچنین باید تلاش‌های بیشتری صورت گیرد تا بتوان در زمان‌های کوتاه‌تری این نقیصه جبران شود. بنابراین ضرورت دارد که دولت از همین ابتدا برای مواجهه با این مشکلات، اقداماتی را انجام دهد که مرحله اول آن، تکمیل و بهره‌برداری از نیروگاه‌های نیمه‌تمام است. همان‌طور که می‌دانید ما چندین نیروگاه ناتمام در کشور داریم که به دلیل کمبود منابع مالی عملا متوقف مانده‌اند، در مرحله دوم، پروژه‌ها و نیروگاه‌هایی قرار دارند که مراحل برنامه‌ریزی آنها انجام شده و عملیات اجرایی آغاز شده اما به دلیل شرایط خاص صنعت برق اجرای آنها مسکوت باقی مانده است.

ادامه در صفحه ۱۴

قائم مقام اسبق شرکت «توانیر» در گفت‌وگو با «شرق» خبر داد

زیان ۸۳تومانی وزارت نیرو در هر کیلووات‌ساعت برق

هزینه تمام‌شده هر کیلووات ساعت برق ۱۰۵تومان است اما مصرف‌کننده ۲۲ تومان می‌پردازد

شرق، آذر جزایری: شوخی‌بردار نیست. تصور کنید حتی برای یک‌ساعت، برق شهرتان قطع می‌شود. چه اتفاق‌هایی ممکن است در این یک‌ساعت بیفتد. شاید برای همین باشد که می‌گوییم تصور آن هم سخت است؟ «مسعود حجت» قائم‌مقام اسبق شرکت توانیر و یکی از متخصصان برقی کشور در گفت‌وگو با «شرق» هشداری می‌دهد که این تصور را به واقعیت نزدیک می‌کند:

آقای حجت به نظر شما مهم‌ترین مشکل کنونی وزارت نیرو چیست؟

در بخش آب با توجه به کمبود بارندگی، مسایل ناشی از تغییر اقلیم و خشکسالی، رشد جمعیت و مصرف سرانه آب، مشکلاتی را به‌وجود آورده که حل آنها کمی پیچیده است. درخصوص بخش برق - که محور پاسخ‌های بنده با توجه به نوع تخصصم در حوزه برق است - باید بگویم واقعا نمی‌دانم که وزارت نیرو چگونه خواهد توانست مشکلات این حوزه را حل کند. چالش‌های عظیمی که وزارت نیرو در بخش برق دارد این است که در حال حاضر تولید برق کیلووات ساعتی ۴۷تومان بدون سوخت هزینه خواهد داشت. همچنین انتقال هر کیلووات ساعت برق ۹تومان و توزیع آن ۱۳ تومان هزینه دارد؛ بنابراین به‌طور کلی بدون درنظرگرفتن قیمت سوخت، هر کیلووات ساعت برق ۶۹تومان هزینه خواهد داشت. اگر هزینه سوخت را هم با توجه به نرخ یارانه‌ای که وجود دارد ۳۶تومان در نظر بگیریم با اضافه‌شدن این هزینه به مبلغ ۶۹تومان، هزینه تمام‌شده هر کیلووات ساعت برق، ۱۰۵تومان خواهد بود درحالی‌که اکنون وزارت نیرو تنها ۲۲تومان به ازای هر کیلووات ساعت برق دریافت می‌کند و مابقی آن سهم هدفمندی یارانه‌ها خواهد بود. بنابراین بنده واقعا نمی‌دانم که با این میزان دریافتی چگونه می‌توان صنعت برق را اداره کرد.

آیا راهی وجود دارد که هم مشکلات را برطرف کرد و هم قیمت برق را افزایش نداد؟

اگر قرار است که برق ارزان به‌دست مردم برسد، پس یارانه آن هم باید پرداخت شود. سابقا تمام پولی که به داخل صنعت می‌آمد، صرف خود صنعت می‌شد و از بیرون برق هم کمک‌هایی به صنعت برق اختصاص داده می‌شد. همان‌طور که می‌دانید قیمت برق به‌عنوان مثال در فرانسه هفت یورو/سنت برای هر کیلووات ساعت است و مردم هم این هزینه را پرداخت می‌کنند. حال سوال اینجاست که چرا این کشور برق را مانند ما ارزان در اختیار شهروندان خود قرار نمی‌دهد؟ بنابراین یا این هزینه باید از مردم اخذ شود تا مردم قدر آن را بدانند و در مصرف برق صرفه‌جویی کنند یا دولت این مبلغ را در قالب پرداخت یارانه تامین کند. اما تشخیص اینکه دولت یارانه بدهد یا اینکه از مردم پول واقعی برق را اخذ کند مساله‌ای نیست که من به‌عنوان متخصص حوزه برق بتوانم درخصوص آن، اظهارنظر کنم.

پیشنهاد شما برای حل بحران فعلی صنعت برق کشور چیست؟

این صنعت، رسیدگی نیاز دارد و از طرف دیگر باید یا به برق یارانه بدهند یا برق با نرخ واقعی به دست مصرف‌کننده برسد. همچنین باید هرچه پول از برق به‌دست می‌آید، صرف خود برق شود و علاوه بر آن به برق، کمک هم شود. متاسفانه در طول حیات صنعت برق کشور، شاهد عدم‌توجه به این صنعت در چند مقطع بوده‌ایم و همواره چند سال پس از این مقاطع، خاموشی داشته‌ایم. نکته قابل‌توجه در صنعت برق این است که این صنعت جزو صنایع زمان‌بر است؛ به این معنی که اگر الان درخصوص آن اقدام شود ممکن است در حدود چهار یا پنج سال بعد به نتیجه برسد. قبل از انقلاب در یک مقطعی به دلیل اشتباهات مشاوران یا پیمانکاران و به‌دلیل عدم‌توجه در سال ۵۶ با خاموشی مواجه شدیم. پس از آن با عجله تعداد زیادی نیروگاه احداث شد-نیروگاه ری یکی از آنهاست- و این مسایل تقریبا رفع شد. در اوایل انقلاب هم مشکل خاموشی وجود نداشت ولی مجددا سرمایه‌گذاری در این خصوص کاهش یافت و پس از جنگ دوباره با خاموشی مواجه شدیم. پس از جنگ نیز به سرعت تعداد زیادی نیروگاه در نقاط مختلف ساخته شد و در سال‌های ۷۴ و ۷۵ خاموشی‌ها برطرف شد و دوباره همین روند ادامه پیدا کرد و مجددا در سال‌های ۸۲، ۸۳ و ۸۴ خاموشی داشتیم و مساله برق تا امروز به همین شکل ادامه پیدا کرده است.

درست است که سال آینده بحران خاموشی در تابستان جدی است؟

درواقع؛ نگرانی اصلی برای سال ۱۳۹۴ است. باید بررسی کنیم برای سال ۱۳۹۴ ما چه نیروگاه‌های جدیدی داریم؟ اگر صنایع کشور در اثر این تحولات سیاسی و بین‌المللی مجددا به تولیدات حداکثری بازگردند و بتوانند رشد کنند و صنایعی که بعضی از آنها توقف داشته‌اند، مجددا بتوانند رشد کنند و بر اساس توسعه جدید، صنایع کوچک راه‌اندازی شوند، مصرف برق بالا خواهد رفت و اگر مصرف برق بالا برود آیا معلوم است که قرار است چه‌کار کنیم؟ چگونه می‌توانیم پاسخگوی این مصرف و این حد از نیاز به برق باشیم؟ بنابراین نکته مهمی که می‌خواهم به آن اشاره کنم توجه به قیمت برق در کشورهای همسایه است، به‌عنوان مثال کشورهای همسایه با نرخ ۱۰ تا ۱۲سنت و به‌طور کلی با قیمت‌های مختلف برق را توزیع می‌کنند و به پول ما در حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰تومان برق را به مردم خود می‌فروشند؛ یا مردم کشورهای اروپایی که برق را گران دریافت می‌کنند در نتیجه در مصرف آن بسیار دقت می‌کنند، بنابراین در ایران هم هر کالایی که گران شود حتما مردم در مصرف آن مراعات می‌کنند ولی وقتی ارزان باشد دیگر رعایت نمی‌کنند. برق هم کالایی است که تولید آن واقعا گران است؛ در نتیجه قیمت واقعی آن گران خواهد بود. محاسبه دیگری که به‌راحتی قابل انجام است و از همکاران توانیر می‌توانید این اطلاعات را بگیرید، اثر برق در قیمت تمام‌شده بسیاری از کالاهاست. بنده سال‌ها پیش این کار را در پروژه‌ای انجام دادم؛ مثلا قیمت تمام‌شده محصولات کشاورزی یا مصنوعات صنعتی را محاسبه می‌کردیم و از مرکز آمار ایران هم ارقام آن را دریافت کرده بودیم و بعد مشاهده می‌کردیم که اثر برق در قیمت تمام‌شده یک دستگاه اتومبیل، خودرو یا یک تجهیز به چه میزان است. به کارخانه می‌رفتیم و توسط اطلاعاتی که خودمان داشتیم و همچنین اطلاعاتی که مرکز آمار در اختیار ما قرار می‌داد، محاسبه می‌کردیم اثر برق در یک خودرویی که فرضا قیمت آن ۲۰میلیون‌تومان است، چنانچه این برق به قیمت واقعی احتساب شود مثلا ۸۰هزارتومان خواهد بود بنابراین اگر خودرویی که ۲۰میلیون است، ۲۰میلیون‌و۸۰هزارتومان به فروش برسد، فردی که خودرو را خریداری می‌کند، زیاد متوجه این تفاوت قیمت نخواهد شد ولی در عوض صنعت برق زمین نخواهد خورد.

عکس: شرق

پیشنهاد شما در شرایط فعلی چیست؟

ببینید؛ هم‌اکنون هم از جانب بخش دولتی و خصوصی نیروگاه‌هایی در دست ساخت است. الان هم اگر مساعدت به‌عمل بیاید و به این بخش‌ها کمک شود، این صنعت می‌تواند خودش را بازیابی کند؛ به این شکل که مثلا مساعدتی شود که اگر یکی از این سازندگان که قبلا نیروگاهی ساخته و هنوز پول فروش برق آن نیروگاه را نگرفته، بتواند طلب خود را بگیرد تا آن را برای ساخت نیروگاه جدید صرف کند. در موارد دیگری خود شرکت توانیر، نیروگاه‌هایی را ساخته و بعضی دیگر را به پیمانکار واگذار کرده است، پیمانکار هم صورت وضعیت خود را ارایه داده ولی هنوز پولی دریافت نکرده است؛ در نتیجه این پیمانکار با سختی قادر به انجام پروژه‌های جدید است. اگر این پول‌ها به‌دست سازندگان برسد، عمده مشکلات این بخش حل خواهد شد. در نتیجه به اعتقاد بنده مشکل اصلی از برنامه‌ریزی‌ها نیست و برنامه‌ریزی‌ها نسبتا خوب هستند. اکنون نیروگاه‌های بسیاری در دست ساخت است و برخی هم در دست تعمیر هستند.

ولی نیروگاه‌هایی که در دست تعمیرات اساسی قرار دارند نیاز به قطعات یدکی داشته و با برقی که کیلووات ساعتی ۲۲تومان در حال حاضر بابت آن دریافت می‌شود، حتی این بخش‌ها نمی‌توانند حقوق کارمندان خود را پرداخت کنند. درواقع من هم به‌عنوان کارشناس، نمی‌دانم چگونه این صنعت را در حال حاضر اداره می‌کنند. ۲۲تومان معادل کمتر از یک‌سنت به ازای هر کیلووات‌ساعت برق است و سوال من این است که چگونه با این پول برق اداره می‌شود. مگر می‌شود این صنعت را با دریافت زیر یک‌سنت به ازای هر کیلووات‌ساعت اداره کرد در حالی‌که در دیگر کشورها، ارزان‌ترین قیمت‌ها هم از سه‌سنت بالاتر است و برحسب موقعیت و زمان به ۱۵سنت هم می‌رسد. درواقع زیر یک‌سنت پولی است که حتی هزینه سوخت نیروگاه‌ها را هم نمی‌توان با آن تامین کرد.

شاید نگرانی دولت از واکنش منفی جامعه نسبت به افزایش قیمت آب‌وبرق باشد؟

بنده قبول دارم که ممکن است این مساله در جامعه تنش ایجاد کند، ولی از طرف دیگر باید دید جامعه چگونه به‌تدریج خود را با افزایش قیمت مثلا لبنیات وفق داده است. برق هم باید تاکنون به‌تدریج این کار را انجام می‌داد. حرف شما صحیح است. برق نباید یک‌باره گران شود؛ چراکه با واکنش جامعه همراه خواهد بود. اما در مرحله اول مسوولان باید به این نقطه برسند که نباید پولی را از برق بردارند و خرج قسمت‌های دیگر کنند. وقتی برق به مشترکین فروخته شد تمام هزینه دریافتی را در صنعت برق هزینه کنند و به بهانه یارانه و مسایل دیگر از برق چیزی برندارند. خوشبختانه مطلع شده‌ایم که قرار است از سال ۹۳ این پول از برق برداشته نشود. دومین مساله این است که به‌تدریج، قیمت واقعی برق را برای هر کیلووات‌ساعت دربیاورند و این قیمت را به‌گونه‌ای به سمت حذف یارانه‌ها سوق دهند یا اگر به‌دلایلی برای بعضی از مصارف خاص مانند کشاورزی، مدارس و مساجد قصد چنین کاری را ندارند، یارانه برق را مشخص و پرداخت کنند. در گذشته قرار بود که برخی از اصناف لوکس قیمت برق بیشتری پرداخت کنند و از پولی که از این طریق به‌دست می‌آید، یارانه برق مثلا مدارس را پوشش دهند ولی الان اینگونه نیست.

منظور از اصناف لوکس چه اصنافی است؟

در آن زمان اصناف لوکسی که ما معرفی کردیم جواهرفروش‌ها، بنگاه‌های معاملات ماشین و مواردی از این قبیل بود. قیمت واقعی برق در پولی که این اصناف به دست می‌آورند به چشم نمی‌آید ولی مثلا مشاغلی مانند لبنیاتی‌ها و سوپرمارکت‌ها که یخچال دارند و مستقیم با سلامت مردم درگیر هستند را نمی‌توان جزو اصناف لوکس به حساب آورد. البته قضیه اصناف لوکس مربوط به ۲۰سال پیش است و در حال حاضر اطلاع ندارم که آیا الان هم به همان وضع است یا خیر. ولی شکل این طرح تقریبا به نوعی یارانه معکوس است؛ به این شکل که از اصناف لوکس به اصناف غیرلوکس یارانه داده شود.

آیا ورود بخش خصوصی باعث نمی‌شود جامعه راحت‌تر افزایش قیمت‌ها را بپذیرد تا اینکه احساس شود دولت قصد گران‌کردن برق را دارد؟

بنده حرف شما را کاملا قبول دارم. مثلا می‌بینید که قیمت شیر و لبنیات در این چندساله بالا رفته و بخش خصوصی می‌گوید هزینه‌های تولید لبنیات بالا رفته است و جامعه هم آن را می‌پذیرد. از طرف دیگر با توجه به اینکه چند شرکت با هم رقابت می‌کنند اگر یک شرکت قیمت را افزایش دهد مابقی هم قیمت را بالا می‌برند و دولت هم دخالتی ندارد و فقط بحث نظارت و کنترل آن را بر عهده دارد و مراقبت می‌کند که احتکار و مسایلی از این دست در این حوزه به وجود نیاید. یکی از مشکلاتی که در برق وجود دارد این است که از جلو همه خانه‌ها یک سیم رد شده و خصوصی‌سازی در برق پیچیدگی خاصی دارد. درخصوص نیروگاه‌ها باید گفت؛ شبکه هم‌اکنون به مناقصه می‌رود و اگر یارانه برداشته شود بنده پیش‌بینی می‌کنم که در آینده نزدیک کلا نیروگاه‌های رقابتی روی مدار بیاید. اکنون به دلیل تفاوت قیمت سوخت شاید صددرصد نباشد ولی در آینده نزدیک قطعا نیروگاه‌ها مانند همه نقاط دنیا با رقابت در کیفیت و قیمت به فعالیت خود ادامه خواهند داد. اما درمورد انتقال، خصوصی‌سازی عملی نیست. در این بخش هم می‌توان واگذاری داشت ولی به‌صورت out source یا برون‌سپاری که قطعا دولت باید بر آن نظارت داشته باشد. در کشورهای دیگر هم دولت بر اینگونه امور نظارت دارد ولی چون موضوع مصالح عمومی مطرح است خصوصی‌سازی‌شدنی نیست و یکسری جنبه‌های انحصاری در موضوع انتقال برق مطرح است.

اگر وضعیت به همین منوال پیش برود، پیش‌بینی شما از سال ۹۳ و از آن مهم‌تر تابستان ۹۴ چیست؟

در تابستان ۹۳ تا حدودی خاموشی پراکنده خواهیم داشت، ولی در تابستان ۹۴ خاموشی سنگینی خواهیم داشت.

منظورتان از خاموشی سنگین چیست؟

خاموشی پراکنده به این شکل است که وقتی نیروگاهی از مدار خارج شود، خاموشی ایجاد خواهد شد. اما خاموشی سنگین به این معنی است که در تابستان به محض گرم‌شدن هوا، باید برق جیره‌بندی شود.

آقای مهندس در حال حاضر می‌بینیم که در کشوری مانند ژاپن وقتی برق یک منطقه قطع می‌شود یکی از مسوولان ارشد وزارتخانه در جمع مردم حاضر شده و عذرخواهی می‌کند؛ این نشان‌دهنده توجهی است که مسوولان به نگاه مردم جامعه خود دارند. اما روالی که در کشورهای دیگر و توجهشان به برق می‌بینیم واقعا در کشور ما دیده نمی‌شود.

آن زمان که خاموشی شمال شبکه در چهاردهم فروردین ۱۳۷۹ و همزمان با جنگ آمریکا در عراق رخ داده بود با دردسر و در ایام تعطیل خودم را به این منطقه رساندم. آقای حیدری از شبکه دو سیما با بنده تماس گرفتند و من مستقیم از مردم عذرخواهی کردم. آن مساله با همت همکاران رفع شد و در واقع آخرین خاموشی کشور بود. بعد از آن تمهیدات بسیاری صورت گرفت تا خاموشی نداشته باشیم و اگر داشته باشیم باید از مردم عذرخواهی کنیم. اما خاموشی‌های پیش‌رو از جنس آن خاموشی‌ها نیست بلکه دلیل اصلی آن قیمت بسیار ناچیز برق است و با ۲۲تومان نمی‌توان این تضمین را داد که خاموشی وجود نداشته باشد. در آخر باید این نکته را بگویم که مدت کوتاه صدروز و به عبارت دیگر سه‌ماه، مدت کوتاهی است و نمی‌توان از یک‌نفر در این زمان کم، توقع معجزه داشت. از طرف دیگر در این سه‌ماه، مسایل مهم‌تری در دولت مطرح بوده است. ولی اکنون درخواست اصلی من همان‌طور که بارها در این مصاحبه تاکید کردم از مسوولان اقتصادی کشور است؛ خرج و دخل صنعت برق را بسنجند و برای تابستان آینده و تابستان ۹۴، فکر اساسی بکنند و از متولیان وزارت نیرو هم می‌خواهم که در فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی کمی جدی‌تر شوند تا بتوان برق را به قیمت واقعی نزدیک کرد.

خبر

یارانه ۵میلیون خارج‌نشین حذف می‌شود

● **ایلنا:** سخنگوی کمیسیون برنامه‌وبودجه و محاسبات مجلس، با بیان اینکه دولت لایحه حذف یارانه نقدی دهک‌های پردرآمد را به مجلس ارایه نکرده است، بار دیگر بر عدم‌حذف یارانه نقدی دهک‌های کم‌درآمد تاکید کرد. غلامرضا کاتب با بیان این مطلب، با اشاره به بررسی لایحه بودجه ۹۳، پیرامون آخرین وضعیت هدفمندی یارانه‌ها گفت: دولت هنوز لایحه‌ای درخصوص نحوه حذف یا عدم‌حذف دهک‌های پردرآمد به مجلس ارایه نکرده است. وی درباره حذف دهک‌های پردرآمد بیان کرد و افزود: ابتدا باید یارانه حداقل ۴/۵ تا پنج‌میلیون‌نفر که شناسنامه ایرانی دارند و خارج‌نشین هستند، حذف شود.

نگهداری بخشی از فروش نفت در حسابی ویژه

● **مهر:** دولت به بانک‌مرکزی اجازه داد تا معادل مابه‌التفاوت ۲۰تا ۲۶درصد سهم صندوق توسعه ملی از محل وصولی‌های ناشی از فروش نفت را در حسابی جداگانه نگهداری و سپس آن را صرف تامین پیش‌پرداخت طرح‌های تامین مالی شده از محل فاینانس خارجی کند.

واکنش منفی وزارت نفت به مصوبه انتقال پایتخت

● **مهر:** با وجود تصویب کلیات طرح انتقال پایتخت از تهران، یک مقام‌مسوول در وزارت نفت با تاکید بر اینکه انتقال پایتخت مشکل آلودگی هوا را حل نمی‌کند، گفت: آلودگی پایتخت، بیماری استانداردی نیست که با یک نسخه خاص درمان شود. با گذشت حدود دو هفته از مصوبه مجلس شورای اسلامی مبنی بر تصویب کلیات انتقال پایتخت از تهران به سایر کلانشهرهای کشور، وزارت نفت نسبت به صدور این مصوبه نمایندگان خانه ملت واکنش نشان داد.

تعیین متولی توزیع سبد کالای دولت

● **ایسنا:** شبکه تعاونی‌های مصرف کشور به‌عنوان متولی توزیع سبد کالای دولت تعیین شد.

به‌دنبال برگزاری نشست مشترک اتحادیه تعاونی‌های مصرف با وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و معاونت بازرگانی داخلی وزارت صنعت، معدن و تجارت، افراد مشمول دریافت سبد کالایی دولت، شناسایی و اتحادیه‌ها و تعاونی‌های مصرف متولی توزیع سبد کالایی دولت شدند.